

# نظام میراث

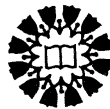
تألیف

پوهاند غلام محی الدین «دریز»

استاد پوهنچی حقوق

تهران

۱۳۹۵



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)  
مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
هفت	یادآوری
۱	وجه تسمیه این کتاب به نام نظام میراث
۲	مقدمه مؤلف
۴	مقدمه کتاب
۱۱	فصل اول: نظام میراث
۱۱	معنای میراث
۱۲	ارکان میراث
۱۳	اسباب میراث
۱۵	شروط میراث
۲۲	فصل دوم: حقوق متعلق به ترکه
۲۶	فصل سوم: فروض و اصحاب آن
۲۶	احوال اصحاب فروض
۳۸	فصل چهارم: عصبیات
۴۲	حجب
۴۳	مسائل عملی بر مباحث سابق
۴۵	مقاسمه جد با برادران
۴۸	فصل پنجم: عول - رد - تصحیح
۴۸	عول

صفحه	عنوان
۵۱	رد
۵۴	تصحیح مسأله
۵۸	طریقه جدید تصحیح مسأله
۵۹	فصل ششم: ذوی الارحام
۶۰	اصناف ذوی الارحام
۶۳	فصل هفتم: متباقی مستحقین ترکه
۶۷	فصل هشتم: میراث تقدیری و احتیاطی
۶۷	جنین
۷۰	مفقود
۷۳	اسیر
۷۳	خنتی
۷۴	کسی که پدر شرعی ندارد
۷۶	فصل نهم: تخارج و مناسخه
۷۶	تخارج
۷۷	مناسخه
۷۹	مسائل متفرقه اختتامیه
۸۲	حل مسائل عملی
۸۵	وصیت واجبه
۹۳	مراجع مهم این کتاب
۹۴	قانون مواریث، مصری سنه ۱۹۴۳

## یادآوری

چاپ آثار پژوهشی استادان در گسترش فعالیتهای علمی پوهنتونها نقشی درخور اهمیت دارد، ولی با تأسف بیشتر از یک دهه است که با انهدام چاپخانه وزارت تحصیلات عالی، آثار تحقیقاتی دستنویس استادان بر روی دستشان مانده است. طبیعی است که چنین پیشامدی تلخ، از اشتیاق استادان در پرداختن به امور پژوهشی می‌کاهد. برای رشد خلاقیت و ارتقای کمی و کیفی فعالیتهای علمی باید زمینه چاپ و انتشار دستاوردهای علمی فراهم شود. خوشبختانه جمهوری اسلامی ایران در این مرحله از بازسازی افغانستان، در کنار سایر همکارها، وعده چاپ بیست عنوان اثر علمی استادان را داده است. برآورده شدن این وعده از یک سو آغازی است برای تشویق استادان پژوهشگر و از دیگر سو کمکی است برای محصلین در استفاده بهتر از اندوخته‌های علمی استادان. وزارت تحصیلات عالی افغانستان در حالی که از این همکاری شایسته و بموقع جمهوری اسلامی ایران قدردانی می‌کند، همکاریهایی از این گونه را در توسعه هر چه بیشتر مناسبات فرهنگی دو کشور سودمند و ستایش‌انگیز می‌داند!

احمد ضیا رفعت

رییس نشرات وزارت تحصیلات عالی افغانستان

کابل ۱۳۸۲/۳/۱

## وجه تسمیه این کتاب به نام نظام میراث

کلمه نظام مصدر و معنای آن عبارت از طریقه و عادت می باشد و نیز تاری را گویند که مروارید و غیره موره‌ها در آن تار می شود، اما وقتی که اضافه نظام به میراث می شود معنای چیزی را می دهد که علم میراث بر آن استوار است. یعنی اساسات و ضروریات و ارکان میراث. نظام به نظم و آنظمه جمع می شود.

کلمه میراث هم دو معنی دارد، یکی به معنای ترکه و موروث و دیگری علمی که از ترکه بحث می کند و به مواریث جمع می شود، لهذا انضمام کلمه نظام با کلمه میراث که مقصودش همین علم میراث باشد معنی جدیدی را افاده می کند که عبارت از بیان اساسات میراث باشد و یا اینکه نظر به معنای دیگر میراث دلالت به نظم و انسجام کلمات و ترتیب آنها چون مروارید می نماید. امید است معانی نام کتاب در متون و حواشی آن دیده شود و خواننده محترم مطلوب خود را در آن بیابد.

## مقدمه مؤلف

الحمد لله الذي انزل الحق و بينه و الصلاة و السلام على رسوله الامين الذي بلغ ذالك الحق للناس اجمعين.

هنگامی که افغانستان عزیز به رهنمایی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه قدمهای مثبتی به سوی پیشرفت و تکامل اجتماعی، سیاسی و علمی می گذاشت. مؤلفین و مترجمین از هر جانب تشویق می شدند تا در بلند بردن سویه علمی هموطنان خود سهم بگیرند، وزارت معارف کنفرانسها و جلسات متعددی را دایر می نمود تا مطابق ایجابات عصر در پروگرامهای درسی مکاتب تعدیلاتی به عمل آرد. من لازم دیدم تا در قسمت علم میراث که به طریقه مشکلی تدریس می گردد از تجارب تعلیمی و تدریسی خود استفاده نموده اثر واضحتری بنویسم تا خواننده بسهولت از آن استفاده کرده بتواند. طوری که علمای مصر در پهلوی توجه به علوم دگر به علم میراث نیز توجه نموده برای تعلیم و تدریس آن آثار خوبی و سهلی نوشته اند، من خواستم از تجارب آنها نیز استفاده نموده در مرحله نخست خدمت کوچکی در این باره تقدیم کنم. قانون احوال شخصی که در قسمت میراث و توزیع ترکه در مصر تدوین شده علاوه از نظریات مذهب حنفی از نظریات علماء دیگر اسلام که به عصر و زمان همواتر بوده نیز استفاده کرده که به هر یک در موضعش اشاره خواهد شد.

در قسمت علم میراث ابراز نظریه جدید امکان ندارد، زیرا توزیع ترکه و بیان مستحقین آن تماماً مبنی بر نصوص بوده اکثراً تعبدی می باشد. در اینجا نظریات علماء صالحین سلف راجع به تفسیر آیات و احادیث مربوطه میراث بیان و طریقه

عملی توزیع ترکیه بین ورثه و مستحقین به طریقه سهل و اسلوب روشن توضیح می‌گردد. در صفحات اول کتاب تماماً آیات و اکثراً احادیث مربوطه میراث با ترجمه آن ذکر شده تا در صورت لزوم مراجعه به اصل مشکل نباشد.

علاوه بر متن کتاب در اخیر هر صفحه در صورت لزوم حاشیه وجود دارد تا برای بحث و تعمق بیشتر مرجعی باشد.

علاوه بر آن چون افغانستان درآستانه یک تحول قانون‌گذاری قرار گرفته این کتاب در قسمت تدوین قانون احوال شخصی (حقوق ارث) مرجع مفیدی خواهد بود، زیرا علاوه بر نظریات علماء مختلف راجع به یک موضوع به مواد قانونی که در مصر در این باره تدوین شده نیز در موارد لازمه اشاره شده است، یعنی به قدر امکان کوشیده‌ام تا اثری تقدیم کنم که برای هر یک از مباحث - معلم و متعلم و مقنن - مرجع باشد.

غلام محی‌الدین (دریز)

پوهاند پوهنحی حقوق و علوم سیاسی

## مقدمه کتاب

آیات و احادیث مربوط میراث

آیات سورة النساء

میراث اولاد

یوصیکم اللّٰه فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین. فان کن نساءً فوق اثنتین فلهنّ ثلثا ما ترک و ان کانت واحدةً فلها النصف.

یعنی توصیه می‌نماید شما را خداوند راجع به اولادتان که نصیب مذکر مثل نصیب دو مؤنث است. اگر ورثه زنان زیاده از دو نفر باشند ایشان را دو ثلث ترکه است. اگر وارث یک نفر زن باشد برای وی نصف ترکه است.

میراث والدین

ولابویه لكل واحد منهما السدس مما ترک ان کان له ولد. فان لم یکن له ولد و ورثه ابواه فلامه الثلث. فان کان له اخوة فلامه السدس من بعد وصیة یوحی بها اودین اباوکم و ابناوکم لاتدرون ایهم اقرب لکم نفعا فریضة من اللّٰه. ان اللّٰه کان علیما حکیما.

اگر مرده اولاد داشته باشد برای هر یک از مادر و پدر مرده سدس یعنی ششم حصه ترکه است. اگر از میت اولاد نباشد، تنها والدین وارث او باشند برای مادر سوم حصه ترکه است. اگر از میت برادران و خواهران باشد برای مادرش ششم حصه است. و این ترکه بعد از وصیت و دین توزیع می‌گردد. شما نمی‌دانید کدام یک از پدران یا پسران شما از نظر منفعت به شما قریب‌ترند. این حصه از جانب خداست خداوند علیم و با حکمت است.



#### میراث شوهر

ولکم نصف ما ترک أزواجکم ان لم یکن لهن ولد. فان کان لهن ولد فلکم الربع مما ترکن من بعد وصیة یوصین بها اودین.

اگر از زنان شما اولاد نباشد، برایتان نصف ترکه آنهاست. اگر آنها اولاد داشته باشند خواه از این شوهر باشد و یا از شوهر دیگر برای شما چهارم حصه ترکه آنهاست بعد از اداء وصیت زنان و دین آنها.

#### میراث زوجه

ولهن الربع مما ترکتم ان لم یکن لکم ولد فان کان لکم ولد فلهن الثمن مما ترکتم من بعد وصیة توصون بها اودین.

اگر شما اولاد نداشته باشید از متروکه شما برای زنانتان چهارم حصه آن است اگر اولاد داشته باشید خواه از همین زن باشد یا از زن دیگران ایشان را هشتم حصه ترکه تان است بعد از اداء وصیتتان و دین.

#### میراث اولاد مادری

وان کان رجل یورث کلاله اوامراه و له اخ اواخت فلکل واحد منهما السدس فان کانوا اکثر من ذالک فهم شرکاء فی الثلث من بعد وصیة یوصی بها اودین غیر مضار، وصیة من اللّٰه و اللّٰه علیم حلیم.

اگر مردی که از او میراث برده می شود کلاله باشد (شخصی که پدر و پسر نداشته باشد) یا زنی باشد که برادر یا خواهر (مادری) داشته باشد برای یک نفر ششم حصه است. اگر زیاده از یک نفر باشند، ایشان در ثلث شریک اند و این بعد از اداء وصیتی است که میت وصیت می کند و بعد از اداء دین او، در حالی که این وصیت مضربه ورثه نباشد. این وصیتی است از جانب خدا، خداوند دانا و حلیم است.

#### میراث خواهران

یستفتونک قل اللّٰه یفتیکم فی الکلاله: ان امرء هلک لیس له ولد وله أخت فلها نصف ما ترک و هو یرثها ان لم یکن لها ولد فان کانتا اثنتین فلهما الثلثان مما ترک. و ان کانوا اخوة رجالا و نساء فللذکر مثل حظ الأنثیین.

پرسان می‌کنند اصحاب ترا (ای پیغمبر) برایشان بگو که خدا راجع به کلاله چنین می‌فرماید: اگر شخصی که می‌میرد اولاد نداشته باشد، برای خواهر او نصف ترکه است و اگر از خواهر اولاد نباشد برادرش میراث او را می‌گیرد. اگر دو خواهر باشند، ایشان را دو ثلث ترکه است. اگر برادران و خواهران باشند، مذکر دو چند مؤنث حق دارد.

#### میراث ذوی الارحام

و اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله ان الله بكل شیء علیم.  
اصحاب قرابت بعضی آنها مستحق ترند به بعض دیگر خود در کتاب خداوند  
به هر چیز عالم است.

#### احادیث

از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده که حضرت پیغمبر فرمود:

۱. أَلْحَقُوا الْفَرَائِضَ بِأَهْلِهَا فَمَا بَقِيَ فَلِأُولَىٰ رَجُلٍ ذَكَرَ.

حصبه‌های معین شده را به اصحاب آن بدهید، باقیمانده حق اولین مذکر است.

از اسامة بن زید (رض) روایت شده که حضرت پیغمبر (ص) فرمود:

۲. لا يرث المسلم الكافر و لا يرث الكافر المسلم، متفق علیه.

مسلمان از کافر و کافر از مسلمان میراث نمی‌برد.

۳. از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده که حضرت پیغمبر (ص) برای دختر

نصف و برای دختر پسر سدس و باقی را به خواهر داد.

۴. عبدالله بن احمد در کتاب مسند حدیث عبادة بن الصامت را روایت می‌کند که

حضرت پیغمبر (ص) به سدس ترکه برای دو جده حکم نمود. در حدیث مقدم بن

معدیکرب که آن را احمد و ابو داود و ابن ماجه (رح) روایت نموده‌اند چنین آمده که

الخال وارث من لا وارث له یعقل عنه ویرث، کسی که وارث ندارد، ماما وارث وی

است. دیت از او می‌دهد و میراث او را می‌گیرد.

نصوص فوق اساس تشریح میراث بوده و بعضاً مفصل و بعضاً به صورت مجمل

احکام میراث را بیان نموده است.

### نظام میراث قبل از اسلام

نظام میراث قبل از اسلام تابع اوضاع اجتماعی و اقتصادی یک ملت بود، مثلاً ملتی که وضع حربی می‌داشت قوه حاکمه در دارایی ملت نسبت به ملتی که اوضاع صنعتی یا زراعتی می‌داشت مداخله زیادتر می‌نمود.

در رومان قدیم چنان بود که هر شخص برای بعد از وفات خود یکی از پسران خود یا دیگری را در محضر جمعیتی از معاریف خلیفه خود می‌ساخت این شخص مالک ترکه می‌گردید و در امور حرب و دفاع خلیفه سلف خود محسوب می‌شد. یونانیها هم وصیتی می‌نمودند که قوه قضائی آن را تصدیق می‌کرد و به موجب آن موصی له حق تصرف را در اموال متوفی پیدا می‌کرد.

نظام میراث نزد مصری‌های قدیم چنان بود که رعیت حق تملک اراضی را نداشتند، تنها شخص با صلاح فامیل می‌توانست از زمین استفاده کند. حق تصرف اراضی منحصر به معبود می‌بود.

در اعراب نیز کسانی مستحق میراث شمرده می‌شدند که جوان و مقتدر می‌بودند و می‌توانستند از فامیل و وطن دفاع کنند.

بعد از مطالعه سیستم میراث قبل از اسلام دیده می‌شود که هدف مهم میراث یعنی توزیع ثروت بزرگ به ثروتها و ملکیت‌های کوچک در یکی از آن دیده نمی‌شد.

### اسباب میراث قبل از اسلام

علاوه از اینکه شخص مقتدر و جوان مستحق متروکه قریب خود می‌شد طوری که اول پسر، بعد از آن پدر، بعد از آن کاکا و بعد از آن اقارب دیگر مستحق می‌گردیدند، تبنی (پسر خواندگی) و تحالف (پیمان) نیز از اسباب میراث شمرده می‌شد.

هنگامی که دین اسلام ظهور کرد وضع اجتماعی عرب را بکلی تغییر داد و آن را به یک نظام اجتماعی مبنی بر ایمان، توحید عقیده، عدالت و مصلحت عامه تبدیل نمود. چون هدف اسلام تشکیل یک ملت قوی بود در مرحله اول رابطه هجرت و اسلامیت را از اسباب میراث شمرد، یعنی کسانی از همدیگر میراث می‌گرفتند که

مسلمان می‌بودند و هجرت می‌کردند، همچنان دو نفری که رسول خدا بین‌شان عقد برادری می‌بست مستحق میراث یکدیگر می‌شدند.

شریعت اسلام قواعد میراث جاهلیت را از بین برد، حصه هر یک از شیوخ، جوانان مرد و زن و اطفال و حتی حصه جنین را در بطن مادرش بیان کرد و هم در ایام جاهلیت مردم ریاء‌اند وصیت اموال خود را به اغنیاء و اجانب می‌کردند، والدین و اقارب خود را محروم می‌کردند. پس در ابتدا برای شخص حق داد که اموال خود را برای والدین و دیگر اقارب وصیت نماید. آیت ذیل این مطلب را بیان کرد.

«کتب علیکم اذا حضر احدکم الموت الوصیه للوالدین والاقربین بالمعروف حقا علی المتقین»

یعنی فرض گردید بالای شما اگر علامات موت بر یکی از شما ظاهر گردد که وصیت نمائید به وجه نیک به والدین و اقارب خود و این حقی است بالای پرهیزگاران. بالاخره شریعت حصه هر یک از ورثه را بیان نمود، آیت وصیت به اساس نظریه جمهور علماء مخصوص کسانی ماند که وارث نباشند و اگر وارث باشند بنا بر بعضی علل از میراث محروم باشند در این صورت برای آنها وصیت نزد ابوحنیفه مستحب است (مشروط بر اینکه زیاده از سیوم حصه ترکه نباشد در غیر آن اجازه ورثه شرط است).<sup>۱</sup>

۱. آیا یک شخص می‌تواند تمام ورثه یا یک نفرشان را از میراث محروم کند و یا یکی از ورثه را نسبت به دیگران ترجیح دهد؟  
در این مورد مناسب دیدم که فتوی جامع الازهر را در مقابل همچو یک سؤال در این حاشیه ذکر کنم.

بعد از اینکه جمعیت العلماء جامع الازهر احادیث و آثار وارده و توجیهات مختلف فقهی را غور و مطالعه نمود به سؤال فوق حسب آتی جواب داد.

۱. والدین باید در بخشش تحایف و نفقه به قدر امکان بین اولاد خود مساوات را مراعات کنند. تجاوز از این اصل مجاز نیست مگر نظر به مجوز شرعی که اکنون بیان می‌گردد.

۲. ترجیح بعضی از اولاد بر بعضی دگرش در حالات ذیل مجاز است:

در صورتی که یکی از اولاد از کسب عاجز باشد مثلاً کور، شل، مریض مزمن باشد و یا

به طلب علم دین اشتغال داشته باشد.

←

تبنی که از اسباب میراث بود ذریعه آیت «و ما جعل ادعیاءکم ابناءکم» یعنی پسر خوانده‌های شما پسران شما نیستند، منسوخ گردید چنانچه که میراث گرفتن به اساس هجرت و عقد برادری توسط آیت «و اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض» منسوخ شد. اما آیت وصیت به اقارب به آیت میراث و به حدیث «الا لا وصیة لوارث» که به حدیث مشهور است و در باب وارث گفته شده منسوخ گردیده است؛ البته وصیت برای غیر وارث الی سوم حصه دارائی بدون اجازه ورثه نافذ گفته می‌شود.

### اهمیت علم میراث

علم میراث در بین سایر علوم اسلامی دارای اهمیت خاصی است. حضرت پیغمبر (ص) در این باره چنین می‌گوید: تعلموا الفرائض و علموها فانها نصف العلم و هو ینسی و هو اول

---

→ ۳. شریعت اصل ملکیت را محترم شمرده انسان می‌تواند در مال خود هر قسم تصرف مشروع کند، اما اگر یکی از ورثه را بچه وی باشد یا دختر محروم می‌کند مجاز نیست در صورتی که یکی از اولاد فاسق و بدکار باشد. جمهور علما برای پدر مجاز می‌دانند که همچو شخص را محروم کند. این حزم فسق را مجوز محروم کردن نمی‌دانند (مطالب فوق در مجله الازهر شماره سوم سال چهاردهم نشر گردیده است). مساوات در میراث بین مرد و زن:

تنها در صورتی که مرد و زن از طریق عصبه بودن خود میراث بگیرند مرد دو چند زن مستحق می‌گردد و آن هم به سببی که نفقه آن را شریعت تا وقتی که به خانه پدرش است بالای ولی امر وی و بعد از این که شوهر می‌کند بالای شوهرش لازم نموده حتی اگر شوهرش می‌میرد و از زن مالی نمی‌باشد، ولی امر مکلف است این زن را نفقه دهد. اگر زن اقاربی نداشته باشد بیت‌المال باید نفقه چنین زن را بدهد. از این لحاظ حصه زن در بعضی موارد نسبت به مرد کمتر است در حالی که مرد مکلف به نفقه فامیل بوده تکلیف مالی فامیل به دوش وی گذاشته شده است.

در اکثر موارد دیگر بین زن و مرد در میراث مساوات شده مثلاً اگر خواهر و برادر مادری از برادر یا خواهر خود میراث می‌گیرند، آن را مساویانه تقسیم می‌کنند، علاوه بر آن حصه زنان در اکثر موارد معین است. گاهی چنان می‌شود که زن حصه معینه خود را می‌گیرد، برای مرد که عصبه باشد حصه نمی‌ماند و یا حصه او نسبت به زن کمتر می‌باشد.

شیء یتزع من أمتی، یعنی تعلیم کنید علم میراث را و بیاموزانید آن را، این علم نصف علم دین است و این علم فراموش می‌گردد و اولین چیزی است که از ذهن امت من برداشته می‌شود.

چون علوم دیگر از حالت انسان بحث می‌کند و علم میراث وضع ترکه انسان را بعد از وفاتش بیان می‌کند لهذا نصف علم گفته شده است.

حضرت عمر در سنه هجدهم هجری خودش به شام رفت تا علم میراث را به مردم بیاموزاند.

#### تعریف علم میراث

علماء گفته‌اند که علم میراث عبارت از یک سلسله قواعد حسابی و فقهی است که توسط آن حصه هر وارث در ترکه معلوم می‌شود.

#### وجه تسمیه آن به علم فرائض

علم میراث را علم فرائض نیز گفته‌اند، زیرا که فرض در لغت اندازه و قدر را گویند و خداوند تقدیر و اندازه میراث را بالذات کرده و اندازه آن را به دیگر کس حواله نکرده. علم میراث را علم فرائض نیز گفته‌اند و نیز چون فرائض جمع فریضه است و فریضه به معنای تعیین و تبیین و نازل کردن و به معنای احلال یعنی حلال ساختن چیزی به کسی استعمال شده و تمام معانی فوق در میراث وجود دارد. لهذا علم میراث علم فرائض نیز گفته می‌شود.<sup>۱</sup>

---

۱. در قرآن کریم است: «قد فرضتم لهن فریضه» ای قدرتم. «و قد فرض الله لكم تحلة إيمانكم» ای بیتهای. «ان الذی فرض علیک القرآن» ای انزله «ما کان علی النبی من خرج فیما فرض الله له» ای احل الله له.